



فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی

دوره سوم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲۲-۱

مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب در نظام اسلامی:

با تأکید بر اندیشه و کنش آیت‌الله شهید بهشتی

محمد رضا عبدالله نسب^۱

فرامرز میرزازاده^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۹

چکیده:

گرچه نظریه‌های مربوط به حکمرانی خوب، محصول دوران مدرن است، اما اسلام دارای آموزه‌هایی است که شاخص‌های حکمرانی مطلوب را ترسیم می‌کند. هر یک از متفکران اسلامی، متناسب با شاخص‌های حکمرانی خوب را از منابع اسلامی، استخراج و برای طراحی زیست شایسته مسلمانان ارائه کرده‌اند. این تحقیق به منظور بررسی تطبیقی شاخصه‌های خوب از منظر اندیشمندان غربی و اسلامی به بررسی آرای آیت‌الله بهشتی پرداخته است زیرا که آیت‌الله بهشتی به دلیل دانش توأمان فقهی و فلسفی، و تجربه زندگی در جهان اسلام و غرب، فهم درست‌تری از این شاخصه‌ها داشته باشد. نظریه وی تحت عنوان نظام سیاسی «امت و امامت» دارای شاخصه‌های متعدد حکمرانی خوب است که ما در این تحقیق به بررسی تحلیلی - تطبیقی شاخص‌های «حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی»، «حاکمیت قانون»، «اثربخشی دولت»، «کیفیت مقررات» و «مبارزه با فساد» از منظر بهشتی پرداخته و رد پای نهادینه شدن آنها را در تلاش وی برای طرح و تصویب آنها در مجلس خبرگان قانون اساسی جست‌وجو کرده‌ایم. در نهایت، این تحقیق به این نتیجه رسیده است که این شاخص‌ها به دلیل طرح شدنشان در چارچوب نظام سیاسی امت و امامت، ضمن انطباق شکلی و ساختاری با نظریه‌های مدرن، از لحاظ محتوای دارای تعابیر و موازین اسلامی است.

کلمات کلیدی

اسلام، حکمرانی خوب، آیت‌الله بهشتی، نظام امت و امامت، ایران.

۱- گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، قم، ایران. (نویسنده مسئول) mo.ab62@yahoo.com

۲- گروه علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران. f.mirzazade@gmail.com

شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، بر اساس آموزه‌های اسلامی انجام شد. این شکل‌گیری از یک طرف مقارن با دوره‌ای است که در جوامع غربی، ارائه دیدگاه‌ها و نظریه‌های مدرن توسعه در راستای بهبود زندگی اجتماعی انسان رواج دارد. غایت همه آن نظریه‌ها، ایجاد حکومت مطلوب است که امروزه تحت عنوان حکمرانی خوب^۱ معروف شده است. از طرف دیگر، بر اساس مبانی و الگوی‌هایی شکل گرفته است که دارای اهداف و غایات مختص اسلامی است. قرار گرفتن انقلاب اسلامی ایران در چنین موقعیت تلفیقی اسلامی/مدرن این مسأله را پیش می‌آورد که برای ترسیم آینده نظام سیاسی تازه پا گرفته از چه الگو و مدلی باید استفاده کرد. این مسأله، به عنوان سؤال اصلی این تحقیق ضرورت کاوش در آراء و نظرات صاحب‌نظران و متفکران انقلاب اسلامی را برجسته می‌کند و سنجش نسبت مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب اسلامی و حکمرانی خوب موجود و مدرن را الزامی می‌سازد؛ این که شاخصه‌های حکمرانی خوب چیستند و در نزد متفکران انقلاب اسلامی چگونه تعبیر و تبیین شده‌اند.

ما برای انجام این مهم، با ابتننا به روش تحلیلی - تطبیقی، به نسبت‌سنجی شاخصه‌های حکمرانی خوب از منظر اندیشمندان غربی و اسلامی خواهیم پرداخت؛ برای تعیین و تبیین شاخص‌های غربی حکمرانی مدرن و خوب در بخش مربوط به مبانی نظری به تفصیل بحث خواهد شد. اما در مورد مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی مطلوب اسلامی، نخست، نگاهی مختصر به آن مؤلفه‌های از منظر اسلامی خواهیم انداخت و سپس با بررسی آرای آیت‌الله بهشتی در ذیل نظریه «امت و امامت» به مؤلفه‌های حکمرانی خوب از نظر وی خواهیم پرداخت. لازم به ذکر است که دلیل انتخاب و تأکید بر آرای بهشتی این است که ایشان به دلیل اشراف بر فقه و فلسفه اسلامی و آشنایی با زیست غربی دیدگاهی جامع نسبت به بقیه متفکران این دوره ارائه داده است. جایگاه و نقش آیت‌الله بهشتی در تدوین قانون اساسی حکایت از اشراف وی بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب دارد که توانست در تنظیم، تدوین و تصویب اصول و مواد قانون اساسی اثرگذار باشد. با این وصف، این تحقیق در صدد نشان دادن مبنا بودن آرای آیت‌الله بهشتی برای ترسیم نظام سیاسی بعد از انقلاب اسلامی ایران است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خود را به نمایش می‌گذارد.

بدیهی است که از منظر روشی نگاهی تطبیقی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر متفکران اسلامی (در این تحقیق شهید بهشتی) و اندیشمندان غربی خواهیم داشت. همان‌گونه که اشاره شد، در بخش شاخص‌های حکمرانی خوب به آرای اندیشمندان غربی خواهیم پرداخت، اما در خصوص این شاخص‌ها از منظر آیت‌الله بهشتی ذکر این نکته ضرورت دارد که گرچه ایشان به دلیل مشغولیت‌های

مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب در نظام اسلامی/عبداله نسب و میرزازاده

عملی، از قبیل اشتغال گسترده در پیروزی انقلاب اسلامی، تأسیس حزب جمهوری اسلامی (۲۹ بهمن ۱۳۵۸) و به‌ویژه تدوین قانون اساسی (۱۳۵۸)، به رغم علاقه وافرش، فرصت تدوین و ارائه منسجم اندیشه فقهی - سیاسی را پیدا نکرد (فیرحی، ۱۳۹۱: ۲۸۸)، اما از آن جایی که اندیشمندی اهل عمل و عمل‌گرایی اهل نظر بود دارای منظومه فکری منحصر به فرد و مختص خود است که از یک چارچوب خاصی برخوردار می‌باشد (هادی‌اردکانی و نظری، ۱۳۹۴: ۱۱۵). چنین اندیشمندی که دارای منظومه فکری خاصی هست متناسب با هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و روش خود نظریه‌پردازی و عمل می‌کند. تعدد کتب، مقالات، سخنرانی‌ها و ... بهشتی به دلیل تعلق به یک منظومه فکری دارای تسلسل و انسجام منطقی است و دیدگاه‌های ارائه شده در موضوعات متفاوت در ذیل آن منظومه فکری، یعنی نظریه «امت و امامت» جای دارند. همچنین، دیدگاه و آرای وی در بسیاری از موارد شبیه هم و هم‌پوشان یکدیگرند.

پیشینه تحقیق

درباره موضوع حکمرانی خوب آثاری همچون «تبیین خوبی در حکمرانی خوب» دباغ و نفری (۱۳۸۸)، «طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز» تألیف جاسبی و نفری (۱۳۸۸) و «بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران» نوشته حشمت‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) وجود دارند. در زمینه حکمرانی مطلوب اسلامی می‌توان به مقالات «نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه» نوشته شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی (۱۳۹۲)، «ارائه الگوی حکمرانی خدامحور» تألیف بردبار و دیگران (۱۳۹۴) و «الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه» اثر منتظری و همکارانش (۱۳۹۷) اشاره کرد. مبارک و آذریپوند (۱۳۸۹) نیز در مقاله «نگاهی به شاخص حکمرانی خوب از منظر اسلام و تاثیر آن بر رشد اقتصادی» مفاهیمی چون نهاد، رشد درون‌زا و کنترل فساد را با الگوی حکمرانی اسلامی ارتباط داده‌اند. همچنین، عیوضی و همکارانش (۱۳۹۶) در مقاله «از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار» در صدد هستند تا الگویی اسلامی از حکمرانی مطلوب را استخراج نمایند. یا مرشدی‌زاد (۱۳۹۶) در مقاله «حکمرانی خوب، و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی» به دنبال ارائه الگویی از حکمرانی مطلوب برای تمدن نوین اسلامی است. و رضایی و توحیدفام (۱۳۹۷) در مقاله خودشان تحت عنوان «نسبت‌سنجی الگوی حکمرانی خوب و مردم‌سالاری دینی»، حکمرانی خوب را با شاخص‌های «حاکمیت قانون، مشارکت و پاسخگویی» در جمهوری اسلامی به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار داده‌اند.

از بین آثار موجود درباره بررسی تطبیقی آرای اندیشمندان مسلمان با حکمرانی خوب، مقاله ای از علویان و زارع‌پور (۱۳۹۶)، یعنی «شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی‌آملی»، وجود دارد که با استفاده از شاخصه‌های بانک جهانی در حکمرانی به استناد دارد، به آراء آیت‌الله جوادی

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۲، شماره ۱۲، زمستان ۱۴۰۲

آملی در مولفه‌هایی چون نظارت، پاسخ‌گویی و شفافیت دولت اشاره کرده‌اند و دیگری، مقاله وفایی فرد و خراسانی (۱۳۹۸) با عنوان «مقایسه تطبیقی "ایده حکمرانی" آیت‌الله بهشتی با "حکمرانی خوب" است که در آن به بررسی مؤلفه‌های «آزادی، عدالت، نگرش تشکیلاتی و برخی دیدگاه‌های اقتصادی» از منظر حکمرانی خوب پرداخته شده است. این در حالی است که از یک‌طرف، حکمرانی خوب دارای مؤلفه‌ها و شاخص‌های دیگری است که می‌توان قرینه‌هایش را در آرای بهشتی پیگیری کرد و از طرف دیگر، مهم‌تر این‌که، از منظر دولت‌سازی، بهشتی در «بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» نقش بسیار ارزنده‌ای را در طراحی و گنجاندن این شاخص‌ها ایفا کرده است که نشان می‌دهد وی صرفاً به نظریه‌پردازی در عرصه حکمرانی خوب مشغول نبوده، بلکه مجدانه تلاش داشته است تا آن ایده‌ها را در نظام اسلامی نهادینه نماید.

روش‌شناسی تحقیق

نوشتار حاضر با بهره از روش توصیفی تحلیلی ضمن جمع‌آوری آثار مستند و مجموعه بیانات و مواضع آیت‌الله بهشتی در ساحت‌های مختلف، مولفه‌های حکمرانی مطلوب و تاثیرات آن را در تدوین قانون اساسی جمع‌آوری نموده و آن را با نظریه حکمرانی مطلوب غربی مقایسه و تطبیق داده است

پرسش‌های پژوهش

مولفه‌های حکمرانی مطلوب در اندیشه سیاسی غرب چیست؟

مولفه‌های حکمرانی مطلوب در اندیشه سیاسی اسلام چیست؟

حکمرانی مطلوب در اندیشه و کنش سیاسی آیت‌الله بهشتی چگونه است؟

یافته‌های پژوهش

الگوی حکمرانی غربی و اسلامی در عین اشتراکات ظاهری از تفاوت‌های بنیادین و ماهوی برخوردار

هستند

نظریه امت و امامت شهید بهشتی به مثابه زیربنای حکمرانی مطلوب محسوب می‌شود

حکمرانی مطلوب شهید بهشتی در تئوری و فرایند قانون اساسی جمهوری اسلامی به منصف ظهور

رسید

چیستی حکمرانی خوب

واژه حکمرانی، در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است (میدری، ۱۳۸۳: ۱۷) و به رابطه میان

شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود. بدین ترتیب، حکمرانی را می‌توان لحظه‌ای از فرایند

مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب در نظام اسلامی/عبداله نسب و میرزازاده

دموکراتیک‌سازی دولت‌ها محسوب کرد. بدین معنا، حکمرانی به پیوند رابطه شهروندان و دولت‌ها اشاره دارد (پیرسون، ۱۳۹۳: ۲). طبق نظر ویس، «حکمرانی در تعامل دولت با جامعه مدنی معنا پیدا می‌کند و علاوه بر این که نهادهای حکومتی را در برمی‌گیرد، نهادهای غیر دولتی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه جامعه مدنی که کنش‌گران سیاسی درون آن فعالیت و آن را در برابر دولت حفظ می‌کند» اهمیت زیادی دارد (Weiss, 2000: p795).

به گمان برخی از صاحب‌نظران، حکمرانی خوب دارای دو بُعد اقتصادی و سیاسی بدین شرح است: بعد اقتصادی دارای دو مؤلفه پاسخگویی سازمان و مدیریت بخش عمومی است که اولی، با شفافیت و دومی، با حکومت قانون مقدر است. و بعد سیاسی دارای مؤلفه‌های پاسخگویی حکومت و مشروعیت حکومت است که لازمه اولی، حکومت قانون و لازمه دومی، قابلیت و توانایی حکومت می‌باشد (Neueihed, 2010: p 24). بانک جهانی نیز، به عنوان یکی از نهادهای بین‌المللی معتبر، در گزارشی که در سال ۱۹۸۹ منتشر نموده است، برای اولین بار حکمرانی خوب را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف نموده است (World Bank, 1989). در این تعریف، حکمرانی خوب یک کشور، به معنای اعمال نظارت و ایجاد هماهنگی بر منابع اقتصادی و اجتماعی در جهت پیشرفت همه‌جانبه است و ویژگی‌های آن شامل متغیرها و شاخص‌های ذیل است (kaufmann, Kraay & Mastruzzi, 2010: p 3) :

در ذیل شاخص «حق اظهار نظر و پاسخگویی» دو اصل اساسی مورد توجه هستند: الف) وجود حس اثرگذاری مردم بر حاکمیت و ب) آزادی در کیفیت اثرگذاری است. هر یک از این موارد را مورد واکاوی قرار می‌دهیم: الف) در این حالت از ضرورت تاثیرگذاری مردم بر عملکرد دولت صحبت می‌شود تا شهروندان بتوانند دولت را بازخواست کنند و در نهایت با ارائه آزادانه نظرات، منافع خود را تامین نمایند. البته لازمه این امر مشارکت شهروندان در تصمیمات می‌باشد. مشارکت یعنی آحاد جامعه باید در تصمیم‌گیری‌ها حق اظهار نظر داشته باشند که این امر از طریق نهادهای واسطه منتخب آنان و یا به صورت مستقیم تحقق می‌یابد (Plumptre and graham, 2000: p 112).

شاخص «حاکمیت قانون» مبین وجود آئین و مقررات تدوین شده برای مشخص کردن چارچوب عمل انسان در جامعه است. در ذیل شاخص «اثربخشی دولت» حکمرانی خوب هنری است که کارآمدی دولت در انجام وظایفی همچون کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی است. (Elsnhans, 2001: p 35). چنین مکانیسمی منجر به تعاملی دوسویه میان نیروهای اجتماعی، دولت و جامعه مدنی می‌شود.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۲، شماره ۱۲، زمستان ۱۴۰۲

بدین جهت، شناخت وظایف دولت به عنوان قدرت برتر در این سازو کار ضروری به نظر می‌رسد. توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی که اجازه فعالیت بخش خصوصی را بدهد و ترویج و توسعه آهن را پیگیری کند، در ذیل شاخص «کیفیت مقررات» قرار دارد (Kaufmann, Kraay & Mastruzzi, 2011:p 3). و بالاخره، یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب موضوع فساد اداری و سیستمی است. در شرایطی که فساد در جامعه شایع شود افراد جامعه به جای استفاده از ابتکار و نوآوری خود سعی می‌کنند از طریق پرداخت رشوه و تبانی با مقامات دولتی، اقدام به کسب یک رانت قانونی نمایند. علاوه بر این وجود فساد، جذابیت‌های اقتصادی را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی کاهش داده و بنگاه‌های دولتی را به سمت فعالیت‌های غیررسمی که عمدتاً با پرداخت کمتر مالیات به دولت همراه است، سوق می‌دهد. وجود فساد درآمدهای مالیاتی دولت‌ها را کاهش داده و از این طریق دولت‌ها را در اجرای وظایف خود که همانا ارائه خدمات زیربنایی و کالاهای عمومی مؤثر در فرایند تولید ناتوان سازد (برادران شرکا و همکاران، ۱۳۷۸: ۶۶).

حکمرانی مطلوب از منظر دین اسلام

اسلام به عنوان دینی جامع و خاتم‌الگوپی را برای زندگی بشریت در نظر گرفته است که به دلیل الهی و وحیانی بودنش آرمانی و مطلوب است و اما حکمرانی خوب می‌تواند مقدمه‌ای برای رسیدن به آن آرمان‌ها باشد. طبیعی است که اسلام دارای ظرفیت لازم برای تبدیل شدن به نظام سیاسی را دارد، که البته، شکل و نوع آن از پیش معلوم نیست و مبنایی اقتضائی و متناسب با زمان و مکان دارد. بر این اساس، در قرآن کریم کمال دین اسلام و پاسخ‌گویی آن به تمام نیازهای انسان با صراحت بیان شده است، چنان‌که در آیه (مائده/۳) می‌فرماید: «... الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...». بنابراین، اسلام از همان ابتدا شاخص‌هایی را برای زندگی مطلوب و حکمرانی آرمانی مشخص کرده است. از این‌رو، اگر اصطلاح حکمرانی خوب طی سالیان اخیر در مجامع سیاسی طرح شده است، این مفهوم قرن‌ها پیش مورد توجه و تأیید اسلام قرار داشته و جالب‌تر این‌که شاخصه‌های حکمرانی مطلوب با دقت و گستردگی بیشتر در اسلام مطرح شده است که برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد (عیوضی و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۲-۶۵): ۱- تعلیم و تزکیه الهی مردم (آل عمران/۱۶۴)؛ ۲- علم و تقوای حکمرانان (اعراف/۱۴۴)؛ ۳- هم‌نژادی و هم‌کیشی حکمرانان و مردم (آل عمران/۱۶۴)؛ ۴- هم‌زبانی و هم‌فرهنگی حکمرانان و مردم (ابراهیم/۴)؛ ۵- تحقق قسط و عدالت بر اساس معیارهای الهی و وحیانی (حدید/۲۵)؛ ۶- خداترسی و شجاعت (احزاب/ ۳۹)؛ ۷- اخلاص و عدم چشم‌داشت از مردم (شعراء/۱۶۴)؛ ۸- توحیدمداری و دعوت به توحید؛ ۹- حمایت از مستضعفان (آل عمران/۱۵۹) و ...

مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب در نظام اسلامی/عبداله نسب و میرزازاده

چنین شاخص‌هایی در زمان حیات پیامبر اسلام(ص) و امامان معصوم(ع) به جد مورد پیگیری بود. به عنوان مثال، امام علی(ع) در حکمرانی خویش با عنایت به اصلاحات فرهنگی، تأمین نیازهای اساسی مردم و فقرزدایی، شایستگی کارگزاران و ضرورت مشورت در حکمرانی(شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۱۵) به این شاخص‌ها تأکید ویژه‌ای دارد: مقابله با فساد، مسئولیت‌پذیری، سوءاستفاده نکردن از قدرت، هدایت کارگزاران، نظارت بر کارکنان، ارشاد عمومی، شفافیت، جلب رضایت، حاکمیت قانون، احترام متقابل حاکمیت و امت، و حاکمیت مقتدر(منتظری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۱). این شاخص‌ها نشان‌می‌دهند که حکمرانی مطلوب نه تنها در اسلام وجود دارد بلکه در دنیای امروزین با حکمرانی خوب قابل قیاس هست. باید توجه داشت که سرشت الهی دین اسلام دارای الزامات و مؤلفه‌هایی است که نظریه‌های مدرن امروزی نمی‌تواند آنها را پوشش دهد. زیرا نظریه‌های مدرن بر وجهی از زندگی انسان متمرکز و متناسب با آن یا بر فرد یا جمع، آزادی یا برابری، حق یا تکلیف و ... مبتنی‌اند. این در حالی است که آموزه‌های اسلام ذو وجهی و متوجه هم‌زمان جمع و فرد، آزادی و برابری، حق و تکلیف و ... هستند. بر این اساس، نظریه‌های سیاسی اسلامی بر پایه اصل امامت(در شیعه)/ خلافت(در اهل سنت) استوار هستند که در آن نوعی پیوستگی بین امام و امت وجود دارد. از این‌رو، هیچ اندیشه سیاسی در ادبیات شیعه را نمی‌توان یافت که عزیمت‌گاه آن، نظریه امامت و تداوم آن در دوران غیبت نباشد(فیرحی، ۱۳۹۴: ۳۴۳). بر این اساس، ما در مطالعه و تطبیق آرای بهشتی هم به این توجه خواهیم داشت که تعریف و تبیین برخی از شاخصه‌ها و مؤلفه‌های وی بار معنایی متناسب با جامعه اسلامی و نظریه امامت را دارد.

شاخصه‌های حکمرانی خوب در آرای آیت‌الله بهشتی

ما در این بخش، بحث را در سه حوزه پیش خواهیم برد: مبانی فکری، شاخصه‌های حکمرانی خوب و تلاش در نهادینه کردن آنها در فرایند تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

مبانی فکری

محمدحسین حسینی بهشتی(۱۳۰۷-۱۳۶۰) به دلیل تحصیلات توأمان دانشگاهی و حوزوی، اقامت و فعالیت در آلمان، و فراگیری فقه و فلسفه از جمله معدود متفکرانی است که در صدد پایه‌ریزی دولت اسلامی و کارآمد در ایران بود. مبانی هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه، جامعه‌شناسانه و اقتصادی اسلامی، بهشتی را به نظریه خاصی هدایت کرده است. هستی‌شناسی بهشتی بر شعار نخستین قرآن، یعنی لا إله الا الله، استوار است(بهشتی، ۱۳۹۰(ب): ۱۲۷) که به جهان‌بینی اسلامی منتهی می‌شود. در این جهان‌بینی دین و دنیا، آزادی و برابری، و فرد و اجتماع به صورت توأمان مورد توجه هستند. وی با عدم پذیرش

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۲، شماره ۱۲، زمستان ۱۴۰۲

اصالت قطعی فرد، بدون در نظر گرفتن مفهومی به نام اجتماع، و عدم اصالت قطعی و همه‌جانبه اجتماع و نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های فردی، بر تعامل سازنده این دو تأکید می‌کند (بهشتی، ۱۳۸۱: ۹۰). انسان‌شناسی وی نیز، با ابتناء به عقلانیت و خلاقیت، دارای دو ویژگی «قدرت تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی» و «توانایی ابتکار و خلاقیت» (بهشتی، ۱۳۸۰: ۱۳ و ۱۲) است که از طریق فطرت الهی زمینه هدایت انسان را به حق جویی و کشف رازهای عالم هستی فراهم می‌سازد و عقل نیز در این فرایند در خدمت انسان است. عقل (آگاه‌شده از طریق وحی) و فطرت دارای مسیر و هدف واحدی هستند و چون عالم هستی هدفدار است، حرکت انسان بر اساس فطرت در مسیر هستی هدفدار نشان از بر حق بودن وی دارد (بهشتی، ۱۳۹۰ (ب): ۵۳). همچنین، در این انسان‌شناسی منبعث از هستی‌شناسی توحیدی، هر عمل انسان دارای عواقبی است. «... اگر قرار بود عمل انسان و پاداش و کیفر عمل انسان در کار نباشد، آفرینش او عبث و بیهوده بود. آن چیزی که آفرینش آنان را از پوچ بودن بیرون می‌آورد این است که انسان سرانجام و فرجامی دارد» (بهشتی، ۱۳۸۰: ۵۶).

با این‌وصف، شهید بهشتی در بحث انسان‌شناسی، نخستین ویژگی انسان را بافت رنگارنگ و متنوع او می‌داند. این موجود نه تنها از نظر بافت جمعی نسبت به جانداران دیگر امتیازهای خاصی دارد، بلکه از بافت روحی و استعدادهای برتری نیز برخوردار است. به همین دلیل در بوته آزمایش قرار می‌گیرد (بهشتی، ۱۳۸۰: ۵۶). اما در این آزمایش، ابزارهایی از جمله وحی، آزادی و جق انتخاب داده شده است تا به آگاهی و شناخت برسد. در نتیجه، انسان‌شناسی ذووچی (فطرت/وحی و عقل/آزادی انتخاب) موجب می‌شود تا بهشتی به این اعتقاد باور داشته باشد که «فطرت و خمیرمایه سرشت انسان نه تنها با حق سر جنگ ندارد، بلکه با حق پیوندی اصیل دارد، چون روح در او دمیده شده است» (همان: ۵۹). در نگاه بهشتی، «انسان اسلام، انسانی است آزاد و این آزادی را البته رایگان به او نداده‌اند. ... همراه با روح الهی که به انسان دادند یک مسئولیت کوچک هم به او دادند ... [که] با اختیار خود راه را به سوی آینده تاریک یا روشن بگشاید. ... هر که افتخار بودن و حامل روح خدا بودن را می‌خواهد، باید بار سنگین مسئولیت داشتن و انتخاب کردن را هم به دوش بکشد» (بهشتی، ۱۳۹۰ (ب): ۱۳۵).

از منظر سیاسی، این انطباق را می‌توان در نظریه «امت و امامت» بهشتی مشاهده کرد. طبق نظر بهشتی این نظریه می‌تواند مبنای «تمدن‌سازی اسلامی» قرار گیرد. محتوای این نظام حکمرانی برگرفته از مبانی اسلامی، و ساختارها و قالب‌های اجرایی آن برگرفته از نیازها و الزامات روزآمد و کارآمد است: «از این امت و امامت چه برمی‌خیزد؟ مدیریت جامعه. شکل این مدیریت چیست؟ شکل خاصی در اسلام برای آن پیشنهاد نشده است؛ در هر زمان و مکان و متناسب با شرایط مختلف می‌شود اشکال مختلف

مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب در نظام اسلامی/عبداله نسب و میرزازاده

داشته باشد(بهشتی، ۱۳۷۸: ۴۳). همین نظریه پایه و مبنای نظام سیاسی در جمهوری اسلامی است که خاستگاه آن، همان الگوی آرمانی امامت است(همان: ۳۹). در اولین گام باید مفهوم امت در این نظریه تبیین می‌شد که بهشتی در این زمینه با تفکیک میان «ناس» و «امت»، خاستگاه امت را با عقیده گره می‌زند و می‌گوید: «اشتراک در اعتقاد به اسلام است که امت را شکل می‌دهد»(همان: ۴۰).

دومین گام، تبیین مفهوم امام در دوران معاصر است. از نظر شهید بهشتی در دوران غیبت امام معصوم(ع) نیز باید رهبری جامعه اسلامی استمرار یابد؛ از این رو، مسأله نایب امام(ع) پیش می‌آید؛ یعنی همان مسلمان متعهد باید در زمان غیبت که به امام معصوم(ع) مرتبط با وحی دسترسی ندارد، برای حل مشکلات و مسائل شرعی‌اش به کسی مراجعه کند که لیاقت این کار را داشته باشد؛ یعنی فقیه. البته فقیه معصوم نیست و به وحی دسترسی ندارد، اما می‌تواند آن چه را که از قرآن و روایات در اختیار دارد، با آگاهی از نیازهای زمان برای امت بیان کند(بهشتی، ۱۳۹۲: ۷۱). اما فقیه، انتصابی، و به عبارتی انتخابی از طرف مردم مسلمان است(بهشتی، ۱۳۸۶: ۴۴۲). در این منظر، عبارت «مردم مسلمان» بیانی دیگر از مفهوم امت بوده و حق انتخاب حاکم به آنها سپرده شده است. تا آن جایی که بتوان برجسته‌ترین ویژگی عنصر امام را انتخابی بودن آن دانست(بهشتی، ۱۳۷۸: ۱۵). نظریه‌پرداز نظام امت‌وامامت با چنین برداشتی از یک نظام سیاسی کارآمد است که مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی خوب را ترسیم و تبیین می‌کند.

بهشتی در عرصه اقتصاد نیز از منظر نظریه امت و امامت، بر کاهش تصدی‌گری دولت و بر شیوه تعاونی تأکید و تکیه می‌کند و خواهان حذف تدریجی نقش دولت در امور اقتصادی و واگذاری تدریجی آن به بخش تعاونی است. اندیشه اقتصادی بهشتی با گذار از اصالت سود فردی سرمایه‌داری و جمع‌گرایی سوسیالیسم، مدل خاصی را مد نظر دارد. به نظر می‌رسد وی با پذیرش مالکت خصوصی، آن را به مصالح اجتماع محدود می‌داند و کشاندن مفهوم آزادی به حوزه اجتماع و قائل شدن هویتی مستقل برای آن سبب می‌شود تا وی نظام اقتصادی مورد نظر خود را دور از هدایت و نظارت دولت صورت‌بندی نکند(وفایی‌فرد و خراسانی، ۱۳۹۸: ۱۶۵).

حکمرانی خوب در آرای بهشتی

در این بخش به بررسی موردی معیارهای ذکر شده در چارچوب نظری تحقیق با آرای شهید بهشتی می‌پردازیم. برای انجام این مهم، ابتدا تعریف هر یک از معیارها را طرح و سپس دیدگاه بهشتی را در آن خصوص بررسی خواهیم کرد.

حق اظهار نظر و پاسخگویی^۲

در الگوی امت - امامت آیت‌الله بهشتی نیز، مشارکت و نقش مردم در مناسبات قدرت جایگاه ویژه‌ای دارد و از آنجائی که امام مسئول امت است «تاسیس حکومت باید با رأی عامه مردم صورت گیرد و دوام آن نیز بدون خواست مردم ممکن نیست و زمامدار صرفاً باید سمت و قدرت خویش را از آراء مردم بگیرد» (بهشتی، ۱۳۸۰: ۱۶). بهشتی، در چارچوب نظریه امت و امامت، معتقد است که «در نظام اجتماعی ما بایستی به همه گروه‌ها فرصت اظهار نظر داده شود و امکان آن داده شود که بتوانند نظرهای خود را به صورت فردی و جمعی بیان کنند. باید در محیط اجتماعی سالم، افراد و گروه‌ها توانایی اظهار نظر خودشان را درباره مسایل مختلف داشته باشند. حتی اگر نظراتشان مخالف نظر انقلاب اسلامی ماست... در جامعه اسلامی، همه افراد گروه‌ها، هر چند مخالف اسلام باشند، امکان دارند رأی و نظر خود را بیان کنند» (بهشتی، ۱۳۷۸: ۸۷). همچنین رهبر آگاه در مقابل مردم مسئولیت دارد. بر این اساس، بهشتی معتقد است که «نظام اجتماعی ایران، نظامی اسلامی است، ولی نظامی است که مردم با انتخاب و اختیار و گزینش خودشان، آن را نتخاب کرده‌اند، نظامی است در راه خدمت به مردم یا به تعبیر دیگر، نظامی است مردمی بر پایه اسلام» (بهشتی، ۱۳۷۸: ۴۳).

آزادی

طبق نظر وی ویژگی خاص انسان در آزادی فطری‌اش نهفته است که «منجر به آزادی انتخاب‌ها پیش تا لحظه مرگ می‌شود» (بهشتی، ۱۳۸۸: ۱۷۱) و چنین حقی نباید توسط هیچ کس سلب شود؛ گرچه «آن آزادی پذیرفته است که انسان را به خدا برساند پس اولاً آزادی رهایی نیست ثانیاً غایت آن کمال عبودیت است و در پی تعالی آدمی است، تعالی‌ای که به کمال عبودیت معنا می‌شود» (بهشتی، ۱۳۹۰ (الف): ۹۲). اگر چنین شرایط محقق شود آزادی در معنای کامل، یعنی نوع آگاهانه آن، حاصل خواهد شد. از همین‌رو، بهشتی در مباحثه با مارکسیست‌ها اصرار داشت: «از دیدگاه اسلام، ... انسان آگاه آزاد است. آزاد آگاه است. او انتخاب کرده است که آزادانه آگاهانه انتخاب کند. به همین جهت، ما باید روی این ویژگی انسان تکیه کنیم» (بهشتی، ۱۳۸۱: ۴۹).

در نگاه شهید بهشتی، آزادی فردی یعنی «آزادی از قید و بند» و «... در صورتی که قید و بندها به‌خوبی شناسایی نشوند، انسان نمی‌تواند برای رهایی و آزادی از آنها اقدامی کند؛ بنابراین، نخستین و مهم‌ترین عامل برای رسیدن به آزادی، آگاهی و شناخت است» (بهشتی، ۱۳۷۸: ۶۵). اما آزادی در جامعه‌ای وجود دارد که به صورت یک واقعیت در آمده باشد: «یعنی از متن روابط اجتماعی حاکم بیرون

مولفه‌های حکمرانی مطلوب در نظام اسلامی/عبداله نسب و میرزازاده

آمده باشد» (بهشتی، ۱۳۵۷: ۵۹). چنین آزادی اجتماعی، متناسب با جامعه اسلامی، دارای بار مسئولیت است. طبق نظر بهشتی، «اگر یک انسان، یک حزب، یک تشکیلات، یک ملت، یک نژاد بخواهد به سعادت برسد، یعنی مسئولیت‌هایی را که بر عهده دارد، انجام بدهد طبق جهان‌بینی اسلامی باید به آزادی، به نجات و رستگاری و فلاح همه انسان‌ها بپردازد» (بهشتی، ۱۶۱: ۶۸).

حاکمیت قانون^۳

در نگاه شهید بهشتی قانون برای همه افراد جامعه به صورت برابر الزام دارد و همان‌طور که «قانون برای اقشار مختلف اجرا می‌شود باید برای او هم اجرا گردد» (بهشتی، ۱۳۴۱: ۱۴). بنابراین، نظام سیاسی مطلوب وی حکومتی است که با قانون‌گرایی همزیستی دارد و شباهتی با تئوری‌های دولت خودکامه و مستبد ندارد. بدین ترتیب، تصریح به قانون‌گرایی در اندیشه بهشتی شمولیت عام دارد و از منصب رهبری تا قوای سه‌گانه و حتی مواجهه با بزهکاران را شامل می‌شود. و قانون ورای تمامی افراد و برترین مرجع تصمیم‌گیری و عمل افراد و مسئولین لحاظ می‌شود.

اثر بخشی دولت^۴

توجه حاکمیت به تحدید قدرت سیاسی در حوزه خصوصی شهروندان و نفی توتالیتریسم از کارکردهای دولت اسلامی و مطلوب شهید بهشتی است؛ طوری که «هیچکس حتی رهبری یک جامعه‌ی اسلامی حق ندارد در مساله عقیدتی کسی را دعوت یا وادار به پیروی از عقیده‌ی خاصی نماید و یک فرد مسلمان نیز نباید به جوابی که رهبری در مساله اعتقادی بیان داشته است ترتیب اثر دهد و آن را بپذیرد» (بهشتی، ۱۳۸۶: ۶۷).

ایجاد فرصت‌های برابر در چارچوب منطق اسلام از دیگر دغدغه‌های آیت‌الله بهشتی است که در نهایت موجب رفاه اقتصادی آحاد مردم خواهد شد. آیت‌الله بهشتی بر خلاف برخی مکاتب کمونیستی در کنار سازمان‌های تعاونی، مالکیت خصوصی را در هر شکل (چه فردی و چه گروهی) را پذیرفته و «آن را دارای هیچ مانع موجه اقتصادی نمی‌داند» (بهشتی، ۱۳۶۲: ۷۶). وی در واکنش به این نگرانی که با حذف ربا، طرح‌های بزرگ اقتصادی با مشکل تأمین مالی مواجه می‌شوند، از کارگزاری دولت در اقتصاد دفاع می‌کند و می‌نویسد: «دولت‌های سالم و صالح می‌توانند خیلی بهتر از سرمایه‌داران خصوصی در راه صنایع بزرگ یا طرح‌های آبیاری و کشاورزی وسیع، سرمایه‌گذاری کنند و چون دولت صالح نماینده و کارگزار ملت است این سرمایه‌گذاری‌ها خواه ناخواه در راه مصالح و منافع ملت‌ها خواهد افتاد» (بهشتی، ۱۳۸۷: ۸۳). با این حال، گرایش‌های صرفاً سوسیالیستی را در اقتصاد تجویز نمی‌کنند و مباشرت مستقیم دولت را نفی

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۲، شماره ۱۲، زمستان ۱۴۰۲

کرده تا «راه را برای به کار افتادن استعدادهای سرشار افراد کاملاً باز بگذارند» (همان، ۲۰). البته، آنجا که منافع شهروندان به مخاطره بیفتد مداخله‌ی دولت در مسائلی چون قیمت گذاری اجناس را ضروری دانسته و معتقد است که: «عده‌ای احتیاط فقهی می‌کنند و می‌گویند چون نرخ‌گذاری دلیل فقهی اساسی ندارد، بنابراین انسان مومن مقدس محتاط، باید فروشنده را راضی کند ولو این که ده برابر نرخ اعلام شده هم باشد. ولی ما چنین جامعه‌ای را نمی‌توانیم اسلامی بدانیم. این جامعه، جامعه‌ای است که میدان به ظلم می‌دهد. جامعه اسلامی که نباید تا این حد میدان به ظلم بدهد» (همان، ۳۷).

کیفیت مقررات

محور تفکر وی در این حوزه نگاه توحیدی است، چنانچه عدم انصاف حکومت و جامعه به اخلاقیات تهدید بزرگ و طاغوت‌گرایی است (بهشتی، ۱۳۶۱: ۵۲). انگاره‌های اخلاقی، بنیاد نگرش آیت‌الله بهشتی در کیفیت بخشی در قوانین و حتی انتصاب نیروی انسانی است تا جایی که در پاسخ به این سوال که: با کسانی که در حزب کار می‌کنند و حقوق هم می‌گیرند ولی نماز نمی‌خوانند، چه کار کنیم؟ معتقد است: «فوراً به واحد خدمات و تدارکات معرفی کنید تا تحقیق کنند. نباید این افراد اینجا باشند. این‌ها جایشان در اینجا نیست. اینجا باید جای مسلمان‌های متعهد باشد» (بهشتی، ۱۳۹۰ (ج): ۲۰۸). پس جامعه باید بدست کسانی اداره شود که عملشان مردم را به اسلام نزدیک کند. تأکید وی بر تأمین سرمایه از طرف دولت (بهشتی، ۱۳۹۰ (ب): ۲۴۵).

عدالت

نزد آیت‌الله بهشتی، عادل کسی است که در حق کسی تجاوز نکند» و اگر قرار باشد انسانی در این دیدگاه به حقوق کس دیگری تجاوز کند انگار در حق خودش تجاوز کرده است چون دچار افراط و تفریط شده است. لذا، «اگر قرار شد کسی نه به حقوق دیگران تجاوز نکند، نه به حقوقی که خودش دارد ... و نه حقوقی که خدا بر گردن هر بنده‌ای دارد ... او همان کسی است که همه چیزش روی میزان است» (همان: ۱۶۳). در امتداد این تحلیل، استعاره میزان که از اقتصاد وارد فلسفه سیاسی بهشتی شده است کارکرد اخلاقی و تعادل‌بخشی به رفتار فردی و اجتماعی انسان را به عهدا دارد. چنین برداشتی، مفهوم عدالت را نیز متأثر می‌سازد و عبارت می‌شود از «ترمز داشتن در برابر گناه؛ تحرک داشتن در عمل به وظیفه» (همان: ۱۷۲). کاربرد و عملیاتی شدن چنین خوانشی از عدالت، جامعه را به سمت‌وسوی همان آزادی مورد نظر بهشتی سوق می‌دهد. از نظر بهشتی، «جامعه عادل آن است که برای انسان‌ها امکان اندیشیدن را فراهم سازد و آزادی اندیشه فراهم باشد، نه تحمیل اراده و فکر و فلسفه‌ای در جهت منافع و خواسته‌های طبقاتی، نه تخدیر و تحریف حقایق و اختناق فکری؛ چه همه اینها سد راه تکامل انسان است و مانع

مولفه‌های حکمرانی مطلوب در نظام اسلامی/عبداله نسب و میرزازاده

حرکت طبیعی انسان و بهره‌وری از حق فطری و خدادادی او «بهشتی، ۱۳۹۰ (الف): ۴۰۸». چنین تعبیر و تفاسیری از عدل و عدالت در مسیری جریان دارد که، بر خلاف برداشت غربی و مادی آن، بر ساختن انسان پیش‌برنده تکامل و تمدن‌سازی اسلامی تأکید و توجه دارد.

طبق نظر بهشتی عدل و عدالت در حوزه اقتصادی تحت عنوان به انصاف تعبیر شده و: «انصاف متن اسلام است» (بهشتی، ۱۳۹۰ (ب): ۱۲۸؛ ۱۳۹۰ (د): ۲۳۴). وی، در کتاب شناخت اسلام، متذکر می‌شود که جهان واقعی است که بر اساس عدالت برپاست: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ» (بهشتی، ۱۳۹۰ (الف): ۱۳۹). وی، پاسداری از حق و عدل را زیربنای حکومت حق و عادل می‌داند و معتقد است که مسأله ایجاد می‌کند که همه مردم تلاش کنند تا سازمان اجتماعی آگاه و توانا، یعنی دولت، را به وجود آورند (نساج و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۲). طبیعی است که ضرورت وجود دولت در راستای تکامل انسان در رسیدن به کمال الهی است.

نگرش اقتصادی

بهشتی به عنوان نظریه‌پرداز نظام سیاسی «امت و امامت» نمی‌توانست نسبت به مسائل اقتصادی جامعه اسلامی بی‌تفاوت باشد. وی، در کتاب‌های اقتصاد اسلامی و بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام، با نظر به اصل ۴۳ قانون اساسی و احصاء هفت مولفه اساسی اقتصاد اسلامی، در صدد رد نظریات اقتصادی سرمایه‌دارانه و مارکسیستی و ارائه الگویی اسلامی برای نظام اسلامی است. در نظرگاه اقتصادی بهشتی، حاکمیت سرمایه خواه دولتی باشد خواه شخصی، مردود و ناپسند تلقی می‌شود بنابراین در میان ۷ مولفه، ۳ مورد آن که شامل استقلال اقتصادی، مبارزه با فقر و حفظ آزادی انسان در اقتصاد است در اولویت بیشتری قرار دارند (بهشتی، ۱۳۶۲: ۱۳۲). در منظومه فکری بهشتی، دولت، در مفهوم ترکیبی امت و امامت، می‌تواند از منابع عظیم خود برای تحول اقتصادی شگرف استفاده کند. بر این اساس وی با اعتقاد به فراوانی ابزار تولید در جامعه و حذف زمینه‌های استثمار، ضمن اشاره به اصل ۴۹ قانون اساسی، دولت را مسئول اصلی این مهم معرفی نموده است زیرا که، «دولت‌های سالم و صالح می‌توانند حتی بهتر از سرمایه‌داران خصوصی در راه صنایع بزرگ یا طرح‌های آبیاری و کشاورزی وسیع سرمایه‌گذاری کنند و چون دولت صالح نماینده و کارگزار ملت است این سرمایه‌گذاری‌ها خواه‌ناخواه در راه مصالح و منافع ملت‌ها خواهد افتاد» (بهشتی، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۹). چنین دولتی حق قیمت‌گذاری کالاها و خدمات را بر اساس کار انجام شده (همان: ۴۹) خواهد داشت زیرا بدون دخالت دولت، احتکار پیش می‌آید (همان: ۶۸) و نظام اقتصادی به هم می‌ریزد. بهشتی وجود روابط ظالمانه اقتصادی در جامعه را معلول دو عامل می‌داند: الف: ظالمانه بودن نرخ‌ها و ب: مجبور شدن صاحبان نیروی کار به این که نیروی خود را به صاحبان سرمایه

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۲، شماره ۱۲، زمستان ۱۴۰۲

و ابزار کار بفروشد» (بهشتی، ۱۳۶۲: ۷۸). راهکاری که بهشتی برای رفع این معضل پیشنهاد می‌کند این است که «جامعه (و دولت) متعهد باشد که به هر کس که توان و آمادگی کار تولیدی یا خدماتی دارد، سرمایه و ابزار کار بدهد تا به صورت فردی، گروهی (شرکت سهامی و تعاونی) و نظایر آن به کار اندازد. علاوه بر این، دولت باید در موارد لازم در تعیین نرخ‌ها دخالت کند» (همان).

مبارزه با فساد^۵

در آرای آیت‌الله بهشتی ریشه‌کن کردن فساد از جامعه در وهله اول با محوریت توحید انجام می‌شود. از این‌رو، توصیه اکید وی در مبارزه با فساد خودسازی و تهذیب نفس است. فلذا، بیان می‌دارد: «امیدوارم در جمع ما کسی پیدا نشود که آنجا که پای حق و ثروت و پول در میان می‌آید جانب پول و ثروت را بگیرد» (بهشتی، ۱۳۹۰ (د): ۹۱). بهشتی خطر فساد اداری را در همان ایام اولیه تأسیس نظام اسلامی گوشزد نموده و تسلط سرطان فساد بر پیکر نیروی انسانی را موجب مرگ زودرس جامعه می‌داند (بهشتی، ۱۳۷۹: ۲۱). بدین ترتیب می‌توان گفت که شهید بهشتی بر اساس آیه «ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»، شناخت خوب و بدها، این‌پسند و ناپسندها، را برای هر انسان سالم قابل شناخت می‌داند و از آحاد جامعه تشویق خوبی‌ها و مبارزه با منکرات را طلب می‌کند (بهشتی، ۱۳۷۹: ۶۸).

سایر موارد

شهید بهشتی بنابر دیدگاه مدرن خود وجود نهادهای مدنی را برای حکمرانی خوب ضروری می‌داند و بنا بر مبانی اسلامی‌اش نیز محدودیت‌هایی را برای آنها در نظر می‌گیرد. از این‌رو، معتقد است که تعدد احزاب جایز هستند و احزاب و جمعیت‌ها در رشد فرهنگ سیاسی جامعه تأثیر «دارند و تنها «مرز آزادی احزاب و گروه‌ها و نشریات و آزادی بیان و قلم ... این است که باید به اصول اسلامی ... [و] به سلامت محیط اجتماعی ضربه نزنند» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲/۱/۲: ۴). چنین قید و مرزهای برگرفته از مبانی اخلاق دینی است که بهشتی بدان باور دارد.

اخلاق‌مداری یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی خوب از نظر بهشتی است که با دیدگاه اندیشمندان غربی در این زمینه متفاوت است. از نظر بهشتی اصول اخلاقی لازمه انقلاب اسلامی و عدم پایبندی بدان از ارکان حکمرانی طاغوت است (بهشتی، ۱۳۶۱: ۵۲). پس، اگر انقلابی در ایران روی داده و نظام سیاسی از طاغوتی به اسلامی تبدیل شده است، باید «حاکمیت صدق، حاکمیت حق، حاکمیت عقل، حاکمیت تقوا، حاکمیت مهر و عطوفت برداری الهی، حاکمیت قهر و غضب فی‌الله، دوستی با دوستان خدا، [و]

مولفه‌های حکمرانی مطلوب در نظام اسلامی/عبداله نسب و میرزازاده

دشمنی با دشمنان خدا» حاکم شود زیرا «انقلاب برای این بود که آن ضد ارزش‌ها را از حاکمیت بیدازد و ارزش‌های اصیل و متعال الهی را و نور را به جای ظلمات حاکم کند» (بهشتی، ۱۳۹۰ (ج: ۵۰).

در مجموع، آیت‌الله بهشتی بنا بر منظومه فکری‌اش که در قالب نظریه امت و امامت خود را نشان می‌دهد، و بنا بر ذوجهی بودن مبانی فکری (اسلامی/مدرن و فقهی/فلسفی)، از یک‌طرف به شاخص‌های حکمرانی خوب معمول توجه دارد، اما در تبیین و تفسیر آنها از آموزه‌های اسلامی، از قبیل انصاف و عدل، تعیین حدود و قیده‌های اسلامی برای آزادی و فعالیت احزاب و تشکل‌ها، ترفیع جایگاه دولت در امور اقتصادی و اثربخشی آن در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، نیز کمک می‌گیرد، و از طرف دیگر ضمن داشتن برخی شاخص‌های خاص همچون تأکید و توجه بر اخلاق و ارزش‌های انسانی - اسلامی، از آن اصول برای کنترل فساد در عرصه مدیریت بهره می‌گیرد. دوگانگی تبار فکری بهشتی در قالب نظام امت و امامت مستلزم توجه هم‌زمان وی به فرد/جمع، امت/امامت (مردم/رهبر)، دین/دنیا، آزادی/مسئولیت و حق/تکلیف است که همین امر متمایز کننده تبیین مفهومی شاخص‌های حکمرانی خوب از نظر بهشتی با اندیشمندان غربی و افزودن برخی شاخص اختصاصی نظام اسلامی است. از همین رو، معتقدیم که اسلام دارای شاخص‌های جامع‌تری از حکمرانی خوب می‌باشد.

قانون اساسی و تدوین شاخصه‌های حکمرانی خوب

تعریف و تبیین شاخصه‌های حکمرانی خوب تا زمانی که لباس قانون بر تن نکند در عمل فایده‌ای نخواهد داشت. پیروزی انقلاب اسلامی و نیاز به تدوین قانون اساسی متناسب با آرمان‌های اسلامی فرصتی را مهیا ساخت که می‌توانست شاخصه‌های حکمرانی مطلوب اسلامی را برای نهادینه شدن در دوره مدرن مقدور سازد. بررسی شرایط و فرایند تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که آیت‌الله بهشتی نقش به‌سزایی در شکل‌گیری و تصویب نهایی اصول کلیدی آن داشته است. اطلاعات دقیق، کارآمد و عملگرایانه وی از مبانی اسلامی و تلفیق آنها با داده‌های روزآمد؛ مدیریت و حضور قدرتمندش در مراحل حساس تاریخ معاصر ایران، به‌ویژه در تأسیس حزب جمهوری اسلامی و نیز در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنان اهمیتی دارد که هر گونه تحقیق و تحلیلی از مبانی فکری نظام جمهوری اسلامی، بی‌توجه به اندیشه‌های مذهبی - سیاسی وی، ناتمام است (عابدی‌اردکانی و نظری، ۱۳۹۴: ۱۱۶). جایگاه و اهمیت شخصیت و اندیشه بهشتی بدان حد اهمیت دارد که در بین ۷۲ نفر از اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی با ۴۱ رأی به عنوان نایب رئیس انتخاب شد و ریاست ۵۰ جلسه از ۶۷ جلسه آن مجلس (۲ جلسه، توسط رئیس سنی و ۱۵ جلسه توسط آیت‌الله منتظری ریاست شد) را بر عهده داشت.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۲، شماره ۱۲، زمستان ۱۴۰۲

مدیریت محوری مجلس خبرگان و تصویب اصول عمده قانون اساسی بر عهده او بود. همو بود که اصول مهم قانون اساسی چون اصل پنجم مربوط به «ولایت فقیه» و نیز اصل پنجاه و شش درباره «حاکمیت ملی» را با پشتیبانی قاطع خود به تصویب رساند. و باز همو بود که از دیگر اصول دموکراتیک قانون اساسی چون اصل ششم و هفتم حمایت کرد و در سخنرانی‌های عمومی و توجیهی خود و تبیین مردم‌سالاری از امامت و رهبری در دوره غیبت را مورد تأیید قرار داد (فیرحی، ۱۳۹۱: ۲۸۸). ترکیب فقاقت با نظام دموکراتیک مدرن اساس تصمیمات و پیشنهادهای بهشتی را در تدوین اصول قانون اساسی تشکیل می‌داد. بدین ترتیب، وی به غیر از درایت در مدیریت جلسات و همکاری با بقیه اعضاء در تدوین و تصویب اصول قانون اساسی برخی پیشنهادهای و نظراتی را ارائه کرده است که عمدتاً با جملاتی همچون، «پیشنهاد می‌کنم»، «نظری دارم»، «این ایراد وجود دارد»، «توضیح بیشتر می‌دهم» و ... تلاش کرده است تا، متناسب با شاخصه‌های حکمرانی خوب مورد نظر خود، اصول قانون اساسی را طرح و پیگیری کند. لازم به ذکر است که چون موضوع تحقیق شاخصه‌های حکمرانی خوب از دیدگاه شهید بهشتی است، به تلاش‌ها و نظرات وی در طرح و تدوین اصول قانون اساسی متمرکز شده‌ایم، در حالی که این کار می‌توانست در چارچوب دیدگاه هر یک از ۷۲ نفر عضو مجلس خبرگان قانون اساسی مورد بررسی قرار گیرد. با این‌وصف، می‌توان به تلاش بهشتی در طرح و تصویب شاخص‌های زیر اشاره کرد.

بهشتی، در چارچوب نظریه امت و امامت و در چارچوب شاخص حاکمیت قانون، در پاسخ به دیدگاهی که معتقد بود «مسئله‌ی ولایت محتاج قانون اساسی نیست»، آشکارا بر ابتنای ولایت فقیه بر قانون اساسی تأکید می‌کند و می‌گوید «فرق است بین قانون اساسی و قوانین دیگر، قانون اساسی دست دولت‌ها را در بعضی جاها می‌بندد، یعنی قانون اساسی مقداری از ولایت آینده را محدود می‌کند» (همان: ۱۴۸). این نشان می‌دهد که از نظر وی جمهوری اسلامی بر اساس حاکمیت قانون استوار است و «اعتبار واقعی یک قانون اساسی به این است که برای اکثریت جامعه، آن هم در قشرهای گوناگون واقعاً مورد قبول قلبی باشد (صورت مشروح مذاکرات ...، ج ۱، ۱۳۶۴: ۱۱۲). تنها در این صورت است که حدود و ثغور فعالیت نهادها، افراد و گروه‌ها مشخص می‌گردد. بهشتی، در ذیل اصل اظهار نظر، برای تدوین اصول قانون اساسی از همه صاحب‌نظران (همان، ج ۲: ۱۲۷۱)، اقلیت‌های مذهبی (همان، ج ۱: ۱۸۶) و همه مردم (همان، ۱۱۲) می‌خواهد نظرات خود را در اختیار اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی بگذارند تا با بررسی آن‌ها برای تصویب مورد توجه قرار گیرند. زیرا وی معتقد است که با لحاظ نظر همه افراد جامعه می‌توان مسئولین را به پاسخ‌گویی وادار کرد. از این‌رو، بر این باور است که «این انقلاب، انقلاب ملت است و حتی رهبری از ملت الهام می‌گیرد» (همان، ج ۳: ۱۸۳۶). طبق نظر بهشتی وجود حکومت به رضایت مردم

مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب در نظام اسلامی/عبداله نسب و میرزازاده

بستگی دارد و از آن جایی که «هیچ حکومتی در هیچ درجه‌ای نباید خود را بر مردم تحمیل کند و به علاوه، حکومتی که از حمایت مردم برخوردار نباشد، از همکاری آنها هم برخوردار نیست و اصولاً کاری هم نمی‌تواند انجام دهد و ناچار می‌شود که به زور سرنیزه خودش را سر پا نگه دارد» (همان، ج ۱: ۳۳۱)، بنابراین، «تمام درجات و سطوح مختلف مدیریت باید مورد قبول و پذیرش و متکی به رأی مردم باشد» (همان: ۳۳۰). طبق نظر بهشتی، ابزار نظارت مردم بر اقدامات مسئولین و عامل پاسخگویی آنها نیز «مجلس» هست که اعضای آن از طرف مردم انتخاب می‌شوند.

در بُعد اثرگذاری دولت با اعتقاد به «عدم تبعیض در استفاده از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی» (همان، ج ۳: ۱۳۱۵) بهشتی از اقتصاد اسلامی صحبت کرده و آن را نظامی می‌داند که در آن «عین حال که فقر و محرومیت نیست و فاصله‌های درآمد نیست، در عین حال هر کسی آزادانه می‌تواند قدرت و خلاقیت و ابتکار خود را حفظ کند» (همان: ۱۴۵۰). لازم به ذکر است که بهشتی آزادی انسان را مطلق نمی‌داند و معتقد است «آزادی ... هیچ وقت به معنای بی‌بندباری نیست» (همان، ج ۱: ۲۱۲). بهشتی در راستای توجه به جایگاه مالکیت خصوصی از دولتی شدن اقتصاد به شدت نگران و معتقد است، «دولتی شدنش از نظر مدیریت خطرناک است» اما می‌تواند «سرمایه و ابزار کار را دولت در اختیار» مردم بگذارد و مردم کارخانجات و مراکز تولید را به صورت شورایی اداره کنند که در نهایت به ایجاد تعاونی‌های کشاورزی و صنعتی، افزایش تولید منجر و موجب آزادی انسان خواهد شد (همان: ۱۴۶۷). تحت چنین شرایطی است که کار مردم به مردم واگذار خواهد؛ قانون کیفیت آن را مشخص خواهد کرد و عدالت در جامعه برقرار خواهد گردید. نتیجه این فرایند واگذاری امور به شوراهای (همان، ج ۲: ۱۰۳۵ و ۱۲۱۰)، نظارت آنها بر توزیع امکانات و شفافیت در امور اقتصادی از طریق نظارت، مشارکت و برنامه‌ریزی (طبق اصل یکصدوشش) خواهد شد. طبیعی است که اگر فرایند تولید، توزیع و استفاده از منابع و امکانات کشور از طریق شوراهای تولیدی و صنعتی و در چارچوب قانون صورت گیرد هم کیفیت مقررات بالا خواهد رفت و هم راحت‌تر می‌توان با فساد مبارزه کرد. بدین ترتیب، معلوم می‌شود که آیت‌الله بهشتی، نه تنها در تئوری، بلکه در فرایند عملیاتی کردن شاخصه‌های حکمرانی خوب مجدانه پیگیر تدوین و قانونی نمودن آنها بوده است.

نتیجه گیری

آیت‌الله بهشتی با هستی‌شناسی توحیدی، انسان‌شناسی مبتنی بر عقلانیت و خلاقیت ترکیب شده با سرشت الهی و جامعه‌شناسی تلفیقی حق/ تکلیف‌مدار، فرد/ جمع‌گرا و آزادی/ برابری‌طلب شاخص‌هایی را برای حکمرانی خوب طراحی می‌کند که از بُعد سیاسی در نظریه امت و امامت و از منظر اقتصادی در

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۲، شماره ۱۲، زمستان ۱۴۰۲

اقتصاد تعاونی خود را به نمایش می‌گذارد. در این منظومه فکری – که در مقابل آزادی فردی دموکراتیک و اقتصاد سرمایه‌داری فردگرا از یک طرف و اولویت اجتماع و اقتصاد سوسیالیستی از طرف دیگر قرار دارد – از منظر سیاسی بر انتخاب دموکراتیک امام با ویژگی‌های فقاقت از طرف امت و از منظر اقتصادی بر نظام تعاونی مبتنی بر شورا که بر مدیریت انتخابی/ شورایی تولید و توزیع متکی است. دوتباری بودن آرای آیت‌الله بهشتی و اتکای آن بر فقه/فلسه، اسلام/مدرنیته و جهان اسلام/ جهان غرب باعث گردیده است تا شاخصه‌های حکمرانی ناز نظر وی یز از این دوگانگی متأثر باشند و گرچه دارای قالب و ساختار مدرن داشته باشد اما در تبیین محتوایی از آموزه‌های اسلامی سرچشمه بگیرد. اما این دوگانگی قرار نیست که تراحم و تداخلی در روند عملیاتی شدن به وجود آورد. زیرا هم از لحاظ سیاسی امام و هم از لحاظ اقتصادی شوراها، بر مبنای قوانین تدوین شده عمل خواهند کرد و اقدامات آنها بر اساس قانون، شفاف، قانون‌مند و در برابر مردم به عنوان صاحبان اصلی انقلاب پاسخ‌گو خواهند بود و بدین ترتیب، امکان کنترل و مبارزه با فساد ممکن خواهد شد.

در نهایت، این پژوهش به برخی از مؤلفه‌ها و عناصر حکمرانی خوب از دیدگاه آیت‌الله بهشتی پرداخت. می‌توان ادعان نمود که بسیاری از الگوهای و نظریاتی که دارای خاستگاه غربی و غیراسلامی هستند و در محافل اندیشه‌ورزی به عنوان نظریه‌ای نوین و بدیع محسوب می‌شوند در منابع دینی اسلام به صورت کامل تر ارائه شده است؛ که با بررسی دقیق اندیشه سیاسی متفکران انقلاب اسلامی، امکان خوانش بومی از نظریه حکمرانی خوب، وجود دارد و با انطباق آن با مبانی سیاسی تشیع، می‌توان الگویی مطلوب در راستای پیشرفت همه جانبه ترسیم نمود. نظریه امت و امامت بهشتی امت و امامت را دارای رابطه‌ای متقابل و با اصالت اراده اولیه شهروندان تعریف می‌کند. این دو مفهوم با رابطه‌ی دوسویه، همزیستی استکمالی را طی و در نهایت الگوی حکمرانی خوب تولید می‌کنند. در این نظریه، شاخص‌های حکمرانی خوب، از قبیل اظهار نظر و پاسخ‌گویی، حاکمیت قانون، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات و مبارزه با فساد، در چارچوب نظام اسلامی به‌خوبی تبیین شده است که نتیجه عملی آن پذیرش و تصویب اصول پنجم، ششم، هفتم، چهل‌وسوم (استقلال اقتصادی و تأمین نیازهای مردم)، چهل‌وهشتم (عدم تبعیض)، پنجاه‌وپنج (قانون‌گرایی و نظارت دیوان محاسبات)، پنجاه‌وششم، و یکصد و پنجم (شوراها) توسط اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی است.

مولفه‌های حکمرانی مطلوب در نظام اسلامی/عبداله نسب و میرزازاده

منابع

- ۱) اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. جلد‌های ۱-۳. تهران: مجلس شورای اسلامی.
- ۲) برادران شرکا، حمیدرضا و سعید ملک‌الساداتی (۱۳۸۷). حکمرانی خوب کلید توسعه آسیای جنوب‌غربی. فصلنامه راهبرد، (شماره ۴۸): صص ۳۵۹-۳۸۴.
- ۳) بردبار، غلامرضا، ضرابی‌زاده، شیما و صالحی، طاهر (۱۳۹۴). «ارائه الگوی حکمرانی خدامحور»، مدیریت اسلامی، سال بیست‌وسه، (شماره ۲): صص ۹-۴۱.
- ۴) بهشتی، محمدحسین (۱۳۵۷). مجموعه مقالات. قم: انتشارات جهان‌آرا.
- ۵) _____ (۱۳۵۸). کتاب مواضع ما. تهران: حزب جمهوری اسلامی.
- ۶) _____ (۱۳۶۱). سخنرانی‌های شهید مظلوم دکتر بهشتی، چاپ اول، تهران: سید جمال.
- ۷) _____ (۱۳۶۲). اقتصاد اسلامی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۸) _____ (۱۳۶۲). درباره آزادی در جامعه اسلامی، روزنامه جمهوری اسلامی تاریخ دوم فروردین ماه.
- ۹) _____ (۱۳۷۸). مبانی نظری قانون اساسی، تهران بقیه.
- ۱۰) _____ (۱۳۷۹). بایدها و نبایدها، تهران: بقیه
- ۱۱) _____ (۱۳۸۰). نقش آزادی در تربیت کودک، تهران: بقیه.
- ۱۲) _____ (۱۳۸۱). آزادی، هرج و مرج، زورمداری، تهران: بقیه.
- ۱۳) _____ (۱۳۸۷). بانکداری، رباوقوانین مالی اسلام. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی.
- ۱۴) _____ (۱۳۸۹). سه گفتار، تهران: بقیه.
- ۱۵) _____ (۱۳۹۰ الف). شناخت اسلام، تهران: بقیه.
- ۱۶) _____ (۱۳۹۰ ب). حق و باطل از دیدگاه قرآن. تهران: روزنه.
- ۱۷) _____ (۱۳۹۰ ج). حزب جمهوری اسلامی. تهران: روزنه.
- ۱۸) _____ (۱۳۹۰ د). ولایت، رهبری و روحانیت. تهران: بقیه.
- ۱۹) _____ (۱۳۹۲). درس گفتارهای فلسفه دین، تهران: نشر روزنه.
- ۲۰) _____ (بی‌تا). لیبرالیسم از چه می‌گوید؟. مشهد: مرکز تبلیغات پیروان ولایت فقیه.
- ۲۱) پیرسون، پل (۱۳۹۳). سیاست در بستر زمان، ترجمه محمد فاضلی، تهران: نی.
- ۲۲) جاسبی، جواد و ندا نفری (۱۳۸۸). «طراحی الگوی حکمرانی خوب برپایه نظریه سیستم‌های باز»، علوم مدیریت ایران، سال ۱۶، (شماره ۴۵): ۸۵-۱۱۷.

فصلنامه‌رهیافت‌های‌نوین‌مدیریت‌جهادی‌وحکمرانی‌اسلامی، دوره ۲، شماره ۱۲، زمستان ۱۴۰۲

- ۲۳) حشمت زاده، محمدباقر و حاجی‌یوسفی، امیر محمد (۱۳۹۶). «بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران»، جستارهای سیاسی معاصر، (شماره ۱): صص ۱-۲۴.
- ۲۴) میدری، احمد (۱۳۸۳). حکمرانی خوب بنیان توسعه. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۲۵) دباغ، سروش و نفری، ندا (۱۳۸۸). «تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب»، مدیریت دولتی. دوره ۱/ سال ۳، (شماره ۳): صص ۳-۱۸.
- ۲۶) شاه‌آبادی، ابولفضل و جامه‌بزرگی، آمنه (۱۳۹۲). «نظریه حکمرانی خوبی از دیدگاه نهج‌البلاغه»، پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سال اول، (شماره ۲): صص ۱۳۳-۱۵۳.
- ۲۷) رضایی، حسن و توحیدفام، محمد (۱۳۹۷). «نسبت‌سنجی الگوی حکمرانی خوب و مردم‌سالاری دینی (با تأکید بر شاخص‌های حاکمیت قانون، مشارکت و پاسخگویی)». راهبرد، سال بیست و هفتم، (شماره ۸۲): صص ۳۵-۶۵.
- ۲۸) صفریان، روح‌الله و امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد (۱۳۹۶). «الگوی حکمرانی خوب؛ سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی همه‌جانبه». فصلنامه دولت پژوهی، سال سوم، (شماره ۳): صص ۱۴۵-۱۸۱.
- ۲۹) عابدی‌اردکانی، محمد و نظری، محمدعلی (۱۳۹۴). «جامعه اسلامی و ماهیت رهبری در اندیشه سیاسی شهید بهشتی: با تأکید بر نظریه امامت و امت»، پژوهش‌های سیاست اسلامی. سال سوم، (شماره ۷): صص ۱۱۵-۱۳۷.
- ۳۰) علویان، مرتضی و زارع پور، محمد (۱۳۹۶). «شاخص حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی آیت الله جوادی آملی»، سیاست‌های پژوهش اسلامی، (شماره ۱۱): صص ۳۷-۶۰.
- ۳۱) عبیوضی، محمدرحیم، مرزبان، نازنین و صالحی، معصومه (۱۳۹۶). «از بررسی حکمرانی تا الگوی حکمرانی پایدار» فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وشش / پیاپی ۳۷، (شماره ۸۵): صص ۳۳-۶۷.
- ۳۲) فیرحی، داود (۱۳۹۱). «رهبری و حکومت در اندیشه شهید بهشتی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، (شماره ۱): ۲۸۷-۳۱۰.
- ۳۳) _____ (۱۳۹۴). فقه و سیاست در ایران معاصر. جلد ۲. تهران: نشر نی.
- ۳۴) کریمی‌مله، علی (۱۳۹۱). «تأملی نظری در نسبت حکمرانی خوب و امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزده، (شماره ۴): صص ۴۳-۹۱.
- ۳۵) مبارک، اصغر و آذرپیوند، زیبا (۱۳۸۹). «نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تاثیر آن بر رشد اقتصادی». اقتصاد اسلامی، (شماره ۱۶): صص ۱۷۸-۱۹۵.
- ۳۶) مرشدی‌زاد، علی (۱۳۹۶). «حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی». دوفصلنامه

مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب در نظام اسلامی/عبداله نسب و میرزازاده

- آینده‌پژوهی ایران، سال دوم، (شماره ۳): صص ۱۲۵-۱۴۰.
- ۳۷) منتظری، محمد، بهمنی، اکبر و فتحی‌زاده، علیرضا(۱۳۹۷). «الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه: گامی در جهت تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، دو فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی، دوره ششم، (شماره ۱۱): صص ۱۳۳-۱۵۳.
- ۳۸) نساج، حمید، پوررنجبر، مهدیه و نظری، نیما(۱۳۹۵). «جایگاه آزادی در منظومه فکری شهید بهشتی»، فصلنامه پژوهش‌های اسلامی. سال بیست‌ودو/پیاپی ۱۰۹. (شماره ۲): صص ۱۰۳-۱۳۰.
- 39) Elsenhans, H., (2001). "The Political Economy of Good Governance", Journal of Perspective on Global Development and Technology, No. 2. Pp 1-28.
- 40) Helliwell, John, Hang, Haifang, Grover, Shawn and Wang, Shun(2018). "Empirical Linkages between Good Governance and National Well-Being", Journal of Comparative Economics, <http://doi.org/10.1016/j.jce.2018.01.004>.
- 41) Johnston, Michael. (2013). "Good governance: Rule of law, Transparency and Accountability", Colgate University Available online at: <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/un/unpan010193.pdf>.
- 42) Kaufmann, D., Kraay, A. & Mastruzzi, M., (2010), "The World Wide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues", The World Bank Development Research Group Macroeconomics and Growth Team September. pp 2-30.
- 43) Neueihed, Sarah E. (2010). Thesis the Paradox of Good Governance under Authoritarian Regimes, Lebanon: Lebanese American University Press.
- 44) Plumptre & Graham J., (2000). "Governance in the New Millennium": Challenges for Canada Institution Governance 122, Downloaded from: www.iog.ca.
- 45) Weiss, T. G., (2000). "Governance, Good Governance and Global Governance: Conceptual and Actual Challenge", Third World Quarterly, Vol. 21(5): pp 795-814.
- 46) World Bank. (1989). Sub-Saharan Africa: From Crisis to Sustainable Growth, Available online at: http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDS/IB/1999/12/02/000178830_98101901364149/Rendered/PDF/multi0page.pdf

یادداشت‌ها :

-
- 1- Good Governance
 - 2 - Voice and Accountability
 - 3 - Rule of law
 - 4 - Government Effectiveness
 - 5 - Corruption control

Characteristics of good governance in the Islamic system: with emphasis on the thought of Ayatollah Shahid Beheshti

Mohammadreza Abdollah Nesab¹

Receipt: 05/05/2022 Acceptance: 31/08/2022 Faramarz Mirzazadeh²

Abstract

Although theories of good governance are the product of modern times and the framework of theories of development, Islam as a comprehensive and inclusive religion has rulings that outline the components and characteristics of good governance. Each of the Islamic philosopher and thinkers, in accordance with their knowledge, experience and perception, have extracted the characteristics of good governance from Islamic rules and presented them to design the desirable life of Muslims. This research on the aim of comparative study the characteristics of good governance from view of Western and Islamic thinkers is studying Ayatollah Beheshti's thought because it seems that among all Islamic thinkers, Ayatollah Beheshti, due to his knowledge of both jurisprudence and philosophy, and his experience of living in the Islamic world and the West, has a more accurate understanding of these characteristics; his comprehensive sociological, political and economic views have the possibility to comparative study. His theory under the title of political system "Ummah and Imamate" has several characteristics of good governance. In this study, we examine analytically-comparatively the characteristics of "right to comment and responsiveness, "rule of law", "effectiveness of government", "quality of regulations". And we have dealt with "fighting corruption" from Beheshti's perspective and we have sought traces of their institutionalization in his attempt to propose and approve them in the Assembly of Constitutional Experts, because if the indicators of good governance do not become law and are not institutionalized and operationalized in society. The theory will not go beyond that. Finally, this study has concluded that these indicators, due to their design in the framework of the political system of the ummah and Imamate, while adapting formally and structurally to modern theories, in terms of content have Islamic interpretations and standards.

Keywords

Islam, good governance, Ayatollah Beheshti, system of ummah and Imamate, Iran.

1-Department of Islamic Studies, Farhangian University, Qom, Iran. (Corresponding Author) mo.ab62@yahoo.com

2-Department of Political Science, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran. f.mirzazade@gmail.com